

انواع رایج مزاحمت‌های خیابانی در ایران

تفاوتش فقط یک نقطه است؛ یک نقطه ناقابل. این که شهروندی از قالب «مزاحمت» برای همنوعش خارج شود و اسباب «مزاحمت» او را ایجاد کند؛ قطعا یک پدیده عادی و طبیعی نیست.



تفاوتش فقط یک نقطه است؛ یک نقطه ناقابل. این که شهروندی از قالب «مزاحمت» برای همنوعش خارج شود و اسباب «مزاحمت» او را ایجاد کند؛ قطعا یک پدیده عادی و طبیعی نیست. حتی اگر بعضی مزاحمت‌های خیابانی هم برایمان عادی شده باشد؛ همین مرحله عادی شدن مزاحمت، خودش پدیده خطرناکی است که نشان می‌دهد ایجاد مزاحمت برای دیگران، دیگر آن قبح و زشتی اش ریخته و حساسیت‌های عمومی نسبت به آن کمتر شده است.

شاید کسی پیدا شود که ادعا کند هرگز برای دیگران مزاحمت ایجاد نکرده، اما بعید است فردی مدعی باشد که هیچ وقت مورد مزاحمت قرار نگرفته است.

این مزاحمت‌ها هم تا دلتان بخواهد، انواع و اقسام مختلف دارد. از متلک پرانی‌های کوچه بازاری گرفته تا قمه کشیدن در خیابان، همه در زمره مجموعه مزاحمت‌ها جای می‌گیرد.

با وجود آن که در همه انواع ایجاد مزاحمت‌ها، حقی از حقوق شهروندان ضایع می‌شود، اما در بسیاری از موارد، نه کار به دادگاه و تنبیه مزاحم کشیده می‌شود و نه فرهنگ سازی گسترده‌ای برای کاهش بار مزاحمت‌ها اندیشیده شده است.

مزاحمت، تعریف واحدی ندارد

مزاحمت مثل بسیاری از واژه‌های انتزاعی دیگر مثل ترس و شجاعت، مفهوم واحد و خط و مرز مشخصی ندارد. شاید رفتاری که برای فردی مزاحمت تلقی می‌شود، برای فرد دیگری در حکم یک شوخی بامزه باشد.

تعریف مزاحمت با توجه به فرهنگ کشورهای مختلف نیز متفاوت است؛ طوری که ممکن است مثلا برخی رفتارها در کشوری به عنوان مزاحمت و در کشوری دیگر، امری عادی و هنجاری پذیرفته شده تلقی شود.

مثلا در کشور ما هنوز هم برای خیلی‌ها کیبی غیرقانونی محصولات فرهنگی و هنری، به عنوان مزاحمت برای پدیدآورنده اثر تلقی نمی‌شود، اما در برخی کشورها این نوع مزاحمت به عنوان یک جرم غیرقابل چشمپوشی به حساب می‌آید که مجازات‌های سختی به دنبال دارد.

با این حساب شاید بتوان گفت که برای تعریف درست مزاحمت، باید ابتدا به حق و حقوق قانونی مردم هر کشوری توجه کنیم و سپس با توجه به این حقوق پذیرفته شده در آن جامعه، موارد نقض حقوق شهروندان را به عنوان عملی مزاحم به حساب بیاوریم.

البته همین تعریف هم به طور کامل، درست و جامع نیست؛ زیرا مثلا ممکن است در کشوری به همه حقوق شهروندان و هنجارهای رایج جامعه به عنوان امری قانونی و لازم‌الاجرا نگاه نشود و در آن صورت، نمی‌توان نقض یک هنجار پذیرفته شده در جامعه را به عنوان مزاحمت تعبیر کرد.

انواع رایج مزاحمت‌ها در ایران

متلک پرانی در ایران را شاید بتوان رایج‌ترین و دم‌دستی‌ترین شکل مزاحمت به حساب آورد. گرچه مردان هم در تیررس انواع متلک‌ها قرار دارند، اما بیشترین قربانیان متلک‌های مزاحم در کشور ما، خانم‌ها هستند.

متلک‌ها را باید در زمره مزاحمت‌های ذهنی به حساب آورد که روح و روان فرد مزاحمت‌شونده، هدف حمله قرار می‌گیرد. نهادینه نشدن فرهنگ گفت‌وگوی سالم و تلنبار شدن عقده‌های جنسی را شاید بتوان از مهم‌ترین دلایل پیدایش این نوع مزاحمت متداول دانست.

جدای از متلک پرانی، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی را هم می‌توان در ردیف رایج‌ترین مزاحمت‌ها در ایران به شمار آورد.

رعایت نکردن حقوق سایر رانندگان، به هم زدن نظم و آرامش در جاده‌ها و پارک کردن در محل‌هایی که مزاحم رفت و آمد دیگران است، گونه‌های مختلفی از مزاحمت‌های رانندگی در ایران را تشکیل می‌دهد. مزاحمت‌های تلفنی، ایجاد مزاحمت در محیط‌های مجازی مثل شبکه‌های اجتماعی و رعایت نکردن حقوق همسایگان در آپارتمان‌ها را هم می‌توان در رتبه‌های بعدی متداول‌ترین اشکال مزاحمت در ایران طبقه‌بندی کرد.

اما شدیدترین شکل مزاحمت - که البته در مقایسه با انواع دیگر مزاحمت‌هایی که نام بردیم، رواج کمتری دارد - آن دسته از مزاحمت‌های فیزیکی است که فرد مزاحم به شکل دعوا و نزاع‌های خیابانی، فرد دیگری را مصدوم می‌کند.

همچنین نباید فراموش کرد که انواع مزاحمت‌های رایج در ایران، مدام در حال تغییر و دگرگونی است. مثلا شاید در یک دهه گذشته، مزاحمت‌های تلفنی را می‌شد در صدر رایج‌ترین نوع مزاحمت در ایران به حساب آورد، اما حالا با گسترش ضریب نفوذ اینترنت در خانواده‌ها، این مزاحمت‌ها به محیط‌های مجازی کشیده شده است.

مزاحمت، روند توسعه را کند می کند

مزاحمت ها مثل ضربه چکشی است که بر یک بنای آباد، فرود می آید. اولین تاثیر منفی مزاحمت ها، انتقال حس ناخوشایند در فردی است که مورد مزاحمت قرار گرفته است. مثلاً تصور کنید صبح که از خواب پا می شوید، به یکباره مشاهده کنید که بدنه ماشینتان با یک دسته کلید ناقابل، کلا خط خطی شده است؛ بدیهی است که در طول آن روز، حس خُوب و انرژی لازم برای انجام کارها را ندارید.

اما اگر از بعد کلان به پدیده مزاحمت نگاه کنیم، شیوع مزاحمت ها موجب ایجاد حس ناامنی، افزایش پرخاشگری در جامعه، رواج حس انتقام گیری و موجب به هم خوردن تمرکز جامعه برای طی کردن مسیر رشد و پیشرفت خواهد بود.

دکتر غلامعباس توسلی، جامعه شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت و گو با جام جم عنوان می کند: توسعه یافتگی در هر کشوری با مقوله احساس امنیت، رابطه مستقیم دارد. البته طی کردن مسیر توسعه یافتگی به عوامل زیادی مرتبط است، اما بی شک نبود انواع مزاحمت ها و وجود حس امنیت، یکی از مولفه های توسعه یافتگی است.

توسلی با ذکر مثالی توضیح می دهد: در کشورهایی مثل سوئیس، نروژ و ژاپن، مردم اصل همکاری و ارتباط منطقی با همدیگر را در روابطشان رعایت می کنند و این موارد را آموخته اند. به همین دلیل هم در این کشورها انواع مزاحمت هایی مثل دست به یقه شدن و دعوای خیابانی، بندرت اتفاق می افتد و صلح و ثبات در جامعه بیشتر است.

به اعتقاد این جامعه شناس، وقتی در کشوری بروز انواع مزاحمت ها، نادر باشد، در نتیجه مردم ثبات و آرامش روانی بیشتری برای کار و پیشرفت دارند و در چنین سرزمینی، مسیر توسعه یافتگی با شتاب بیشتری همراه خواهد بود.

از آموزش ارتباط سالم تا تنبیه فرد مزاحم

وقتی در کشوری توسعه یافته، مزاحمت های تلفنی و دست به یقه شدن ها به اتفاقی نادر تبدیل می شود، نباید تصور شود که این نهادینه شدن فرهنگ صحیح ارتباط با همشهریان، یک شبه اتفاق افتاده یا امری ذاتی است.

به طور قطع، برای زدودن انواع مزاحمت ها از پیشانی جامعه، راه طولانی در پیش است که اولین و ماندگارترین قدم برای طی کردن این راه دشوار، آموزش مهارت های ارتباط موثر از سوی نهادهای فرهنگ ساز است. درواقع، اگر بپذیریم که ایجاد مزاحمت برای دیگران، از خلأ آموزش ارتباط سالم بین افراد جامعه نشات می گیرد، در این حالت رسانه ها می توانند با نمایش الگوی سالم از ارتباط موفق بین شهروندان و ترویج این الگو، نقش زیادی را در کاهش بار انواع مزاحمت ها به دوش بکشند.

حال وقتی به درجه ای رسیده ایم که آحاد جامعه، فن ارتباط سالم با هموعانشان را آموختند و افراد مزاحم همدیگر نبودند، در آن حالت می توان با قاطعیت بیشتری با افراد مزاحم برخورد کرد.

یعنی اگر مرحله آموزش و فرهنگ سازی را با موفقیت طی کردیم و اغلب افراد جامعه، بار مزاحمت را روی دوش دیگری سوار نکردند، در آن شرایط می توان با قدرت بیشتری با قانون شکنان برخورد قهری داشت.

اما تا زمانی که به آن درجه از آموزش پذیری و تعامل سالم بین همه شهروندان نرسیده باشیم، تشدید برخوردهای فیزیکی و قانونی با افراد مزاحم، فقط درمانی مقطعی به حساب می آید که در بلندمدت هم نمی تواند ریشه مزاحمت ها را به طور کامل بخشکاند.

امین جلالوند / گروه جامعه